



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

برای مدتی حکم تیولداری اینها را امضاء کند، دست و رویش را می بوسند و پپایش می افتند، آزمون عده ای ناسیونالیست کرد بر ما خرده گرفتند که گویا در حق رهبران و جنبش آنان "بی انصافی" میکنیم. گذشت زمان اما این واقعیت را به خود این حضرات نیز نشان داد.

این احزاب روز گرفتن سند تیولداری خود را در کنار و دست در دست ارتش فاشیست ترکیه و بر روی اجساد کشته های افراد پ.ک.ک (کادک فعلی) یعنی "حزب ناسیونالیست برادر" جشن گرفتند و رقصیدند. با شروع جنگ داخلی خود، رهبران احزاب مربوطه،

صفحه ۲

ورود ارتش ترکیه و افق جنگ قومی در کردستان عراق

کردآزادخواهانه نبوده و نیست، گفتیم مساله اینها حل مساله ملی کرد در کردستان نیست، گفتیم حکایت ملی و حق ملی بهانه و بستری است برای نیرو گرفتن احزاب مربوطه این جنبش در خدمت تامین منافع بورژوازی و حزبی آنان در زد و بند با دولت مرکزی و دولتهای ارتجاعی منطقه و علیه مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان، گفتیم اینها تیولدارانی هستند که هرکس خواه صدام و خواه دولت آمریکا

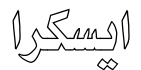


حسین مرادیگی

چند سال پیش گفتیم جنبش ملی

تظاهرات مردم
سنندج علیه اعتیاد
و مواد مخدر
صفحه ۴

جنایتکاران
رژیم اسلامی
سازان آل کنعان
را به دار آویختند
صفحه ۴



سرمدیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گиро: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران

۴۱ متر برابر با
۷۴۹۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۳۷۰۷

روزهای پنجشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی

اطلاعیه در رابطه با درگذشت مصطفی محمدی شخصیت آزادیخواه و مبارز شهر کامیاران

اعتراضی مردم جنوب کردستان بود. در مراسم خاکسپاری او که در روستای زادگاهش، مایوان، برگزار شد، حدود ۵ هزار نفر از شهرهای مختلف از جمله سنندج، کامیاران، مریوان، کرمانشاه، پاوه و روانسر شرکت کردند و خاطر او را بزرگ داشتند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، جانباختن رفیق مصطفی محمدی را به خانواده و دوستان او و به مردم کامیاران صمیمانه تسلیت میگوید. یادش گرامی باد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ بهمن ۱۳۸۱
۱۷ فوریه ۲۰۰۳

با کمال تأسف به اطلاع میرسانیم که مصطفی محمدی یکی از مبارزین آزادیخواه و چهره محبوب مردم کامیاران و جنوب کردستان روز ۲۱ بهمن ماه در جریان یک تصادف در مسیر دیواندره سنندج زخمی شد و روز ۲۵ بهمن در بیمارستان شهر سنندج در سن ۲۹ سالگی جان باخت. این ضایعه قلب همه کسانی که مصطفی را میشناختند را به درد آورد.

مصطفی محمدی در اوایل سال ۷۹ بعثت فعالیت علیه جمهوری اسلامی زندانی شد و بعد از حدود دو سال از زندان آزاد گردید و بدنبال آزادی سازمان "زاگرس سبز" را بنیان گذاشت. مصطفی چهره ای قابل اعتماد و یکی از رهبران محبوب جنبش



سازمان زحمتکشان
در "فاز" آدم فروشی
منصور فرزاد صفحه ۳

تحریک نوین
اسد نودینیان صفحه ۳

پیام تسلیت
رحمان حسین زاده به مناسبت
در گذشت مصطفی محمدی
صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



تصویری از مراسم خاکسپاری مصطفی محمدی

به سهم خود و از جانب تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضایعه از دست دادن مصطفی محمدی عزیز را به مردم کامیاران و حومه، به زنان و مردان و جوانانی که در مراسم خاکسپاری وی تجمع کردند، به خانواده و بستگان و نزدیکان وی و به نهاد "زاگرس سبز" و به صف جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی تسلیت میگویم. یادش و راهش گرامی باد.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ بهمن ۱۳۸۱
۱۸ فوریه ۲۰۰۳

آگاهی، اتحاد، تشکل و تحرک مبارزاتی و مظهر ابتکار و نوآوری و سنت شکنی و تغییر است، نقطه امید مردم و محبوب و قابل احترامند. مصطفی محمدی از شمار انسانهایی بود، که نه تنها در زندگی و فعالیت، بلکه با مرگش هم موجب اتحاد و نزدیکی و تجمع شد. مردم کامیاران و همه انسانهایی که از تهران و سنجند و دیگر شهرها و روستاها در مراسم خاکسپاری او حضور یافتند، همین خصوصیات و اهداف انسانی و زحمات بیوقفه او را گرامی داشتند و نام و راه و رسم این انسان آزاده را در ابعاد وسیع بر سر زبانها انداختند.

پیام تسلیت رحمان حسین زاده:

مصطفی محمدی زنده است

با کمال تأسف از مرگ نابهنگام انسانی آگاه و آزاده، چهره دوست داشتنی مردم کامیاران و حومه و شخصیت موثر و محبوب حرکت آزادیخواهانه در منطقه جنوب کردستان اطلاع یافتیم. مصطفی محمدی کوتاه عمر کرد و سهم کمی از زندگی برد. اما فعالیت سیاسی و پراتیک انسانی وی در همین مدت کوتاه اثرات عمیقی در میان مردمی به جای گذاشت که به نحوی با او در ارتباط قرار داشتند. حضور ۵ هزار نفر در مراسم بزرگ وداع با مصطفی، خود گواه این حقیقت است. انسانهایی که زندگی و حیات سیاسی‌شان نشانه

ورود ارتش ترکیه و...

به جمهوری اسلامی به مرتبه اوباش اسلامی در کردستان عراق "ارتقاء" یافت. جلال طالبانی این را یکی دو هفته پیش در گفتگویی با نمایندگان جمهوری اسلامی در مجلس اسلامی از کردستان ایران رک و راست بیان داشت، با ناز و افاده آخوندی "گفت" به جلال طالبانی میگویند "آیت الله طالبانی!"

این دو حزب و سران و رهبران آن البته در ازاء قره نوکری دولتهای ارتجاعی منطقه و فقر و فلاکت و سرگردانی و بلاتکلیفی و بیم از آینده ناروشتی که به مردم کردستان عراق تحمیل کرده اند، در عوض برای خود ثروت و سامان افسانه ای به جیب زده اند که هیچوقت به خواب هم نمی دیدند. اکنون نیز دارند به حساب مردم کردستان عراق آخرین پرده از همکاری و همیاری خود را با دولت آمریکا که ماشین جنگی خود را برای کشتار وسیع مردم عراق و فروبردن سرنوشت سیاسی این جامعه در آینده بمراتب ناروشت تری از آنچه که اکنون هست، تکمیل میکنند. در این سناریو دولت ترکیه با یک نیروی نظامی مجهز به مخربترین سلاحهای آدم کشی در حد ۶۰ تا ۸۰ هزار نفره قرار است وارد کردستان عراق از جمله شهرهای کرکوک و موصل شود. یک نیروی ۵۰۰۰ نفره بنام نیروی "بدر" که ظاهراً متعلق به مجلس اعلای اسلامی و از هم اکنون آشکار است که مجموعه ای از نیروهای پاسدار و گله حزب الله است که باید هم اکنون یا وارد کردستان عراق شده و یا در راه باشد، در بخش

مسعود بارزانی و جلال طالبانی، قبل از هر کس بر کارتونی بودن و مسخره بودن "دولت و پارلمان همریم" (دولت نوپای کرد)، صحنه گذاشتند. برای حفظ ثروت و پولهای باد آورده ای که در سایه دولت آمریکا و بقیمت به گدائی انداختن مردم شرافتمند کردستان عراق بدرگاه سازمان ملل، تانکهای خود را از روی اجساد این مردم گذراندند و محل کار و زندگی مردم شهر و روستاهای کردستان عراق را به گلوله بستند. برای حفظ سطله خود به مذهب و خرافه پناه بردند و دست اسلام سیاسی مسلح را در کشتار زنان و هتک حرمت و کرامت و شخصیت انسانهای شرافتمند این جامعه باز گذاشتند و یکی از تاریکترین دوره ستم و تبعیض بر زن را در این جامعه در تاریخ خود ثبت کردند. بجای استفاده از فرصتی که برای حل مساله کرد در کردستان عراق پیش آمده بود، سرنوشت سیاسی مردم کردستان عراق را به منافع دولت آمریکا در منطقه که حتی برای مردم کردستان عراق نیز حقی جز در حد "حق فرهنگی" برسمیت نمی شناسد گره زدند ما گفتیم راه چاره مناسب برای کردستان عراق، استقلال کردستان و تشکیل دولت است، ولی اینها بخرجشان نرفت. جلال طالبانی و مسعود بارزانی این قره نوکهای دولت آمریکا و دولتهای ارتجاعی منطقه مشترکاً اطلاعیه دادند که اگر کسی بحث استقلال کردستان عراق را بکند، خودشان قبل از دولت ترکیه و عراق در مقابل او میایستند! عوام فریبانه گفتند دولت عراق دخالت میکند، در حالیکه دولت عراق دخالت کرده بود و قرار نبود هم که دخالت

نکند، بعلاوه خود مسعود بارزانی برای از میدان بدر کردن "حزب ناسیونالیست برادر رقیب" دولت بعث عراق را دخالت داد. گفتند دولت ترکیه و جمهوری اسلامی ایران دخالت میکند. خود مسعود بارزانی برای حفظ سطله عشیره خود بر تیول زیر دست و ثروت و فلاکت اکثریت مردم کارگر و زحمتکش کردستان عراق در بانکهای کشورهای خارجی میریخت، سراغ دولت سرکوبگر ترکیه را گرفت و پای او را به کردستان عراق و به محل کار و زندگی مردم کردستان عراق کشاند. دولتی که صراحتاً میگفت نه تنها چشم دیدن دولت مستقل در "شمال عراق" را ندارد بلکه هیچ نوع حاکمیت "کردی" را نیز در آنجا تحمل نخواهد کرد. مسعود بارزانی و حزب عشیره ای او به عامل دولت ترکیه در تقابل با منافع مردم آزادیخواهانه کردستان عراق تبدیل شدند. از آنطرف هم جلال طالبانی بمنظور سلطه تیول از دست اتحادیه مینهی که با حضور نیروهای بارزانی از دست رفته بود، پای جمهوری اسلامی را تماماً به کردستان عراق باز کرد و تروریسم و جنایت و کشتار جمهوری اسلامی ایران را به کردستان عراق راه داد که حاصل آن بازگشائی دستگاه ترور و کشتار و جاسوسی سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی که به ترور و آدم ربائی و کشتار بیش از ۴۰۰ نفر از پناهندگان سیاسی مخالف جمهوری اسلامی در کردستان عراق انجامید. جلال طالبانی نیز از فرط خوش خدمتی

مردم کردستان عراق باید علیه حضور این نیروها در کردستان عراق و علیه جنگی که دولت آمریکا علیه عراق برافه انداخته اعتراض کنند، رهبران احزاب ناسیونالیست کرد دارند با شرکت در نقشه ها و سناریو سیاهی که از سازمان سیا و پنتاگون طرح ریزی شده است، مردم کردستان عراق را در مصائب یکی از مهیب ترین جنگهای منطقه و با حضور نیروهای ارتش ترکیه در کردستان عراق در خطر یک جنگ قومی تمام عیار که میتواند آنها را در جهنم آن غرق کند، قرار داده اند. رهبران ناسیونالیست کرد در این چند سال، تنها به کلفت کردن اسکناسهای جیب خود آنهم بقیمت تحمیل سختترین شرایط زندگی به مردم کردستان عراق، فکر کردند. به بهانه "قدرالایم" زندگی مردم کردستان عراق مدت ۱۱ سال در گرو منافع دولت آمریکا و دولتهای ارتجاعی منطقه گذاشتند. اکنون نیز که افق تبولداری خود را تیره می بینند، دارند در ازای تحمیل مصائب و بدبختیهای هولناکتری به مردم کردستان عراق، آخرین خوش خدمتی خود را به اربابان ارتجاعی خود انجام میدهند. عمر این انگلها باید بسر رسیده باشد، تنها دخالت آگاهانه و اعتراض مردم کردستان عراق به این وضعیت میتواند دست این قره نوکران ارتجاعی را از سر مردم متمدن و شرافتمند کردستان عراق کوتاه کند.

دیگری از کردستان عراق زیر کنترل اتحادیه میهنی مستقر میشود. حضور این نیروها بویژه حضور نیروی ارتش ترکیه و با اهدافی که دولت ترکیه با استقرا نیروی نظامی خود در کردستان عراق تعقیب میکند، تحت فرماندهی نیروهای آمریکائی و یا دولت ترکیه تغییر در اهداف دولت ترکیه نخواهد داد، فاکتور دیگری را وارد معادلات منطقه کردستان عراق خواهد کرد. استقرار این نیروها در خود نیز نه تنها امنیت مردم کردستان عراق را بخطر خواهد انداخت، بلکه راه را برای درگیریهای قومی کاملاً باز خواهد کرد و مردم کردستان عراق را با مصائب و بدبختیهای شعلهور شدن یک جنگ قومی و ویران شدن محل کار و زندگی مردم شهرها و روستاهای کردستان عراق فوری ترین نتیجه جنگ دولت آمریکا علیه عراق و حضور نیروهای نظامی دولت ترکیه برای مردم کردستان عراق است. شعله ورشدن یک جنگ قومی در کردستان عراق، جنگی که حضور نیروهای ارتش دولت ترکیه همراه نیروهای اوباش اسلامی موسوم به "بدر" آن را کاملاً محتمل خواهد کرد، میتواند مردم شهرها و روستاهای کردستان عراق را بعد از ۱۱ سال سرگردانی و بلاتکلیفی و زندگی در بیم و امید در یک جنگ قومی تمام عیار غرق کند. این خطری است که هم اکنون مردم کردستان عراق را در سایه کدخداهای ناسیونالیست کرد عراق، مسعود بارزانی و جلال طالبانی، تهدید میکند.

سازمان زحمتکشان در "فاز" آدم فروشی



منصور فرزاد

این سایت هنوز هیچ منبع اتحادیه میهنی این خبر را تایید نکرده است. جالب این است که شمعخانی وزیر دفاع رژیم اسلامی، رسماً در مورد این "شایعه" که گویا مجاهدین میخواهند در جریان حمله به عراق تحت عنوان آواره جنگی از طریق کردستان عراق خود را به ایران برسانند، اظهار نظر کرد و گفت نیروهای اسلام نه به مجاهدین و نه به مردم آواره کردستان عراق اجازه نخواهد داد به خاک "ایران اسلامی" رخنه کنند! این اتحادهای نامقدس بین نیروهای سیاه منطقه، در شرایطی است که جنایات جنگی آمریکا علیه مردم منطقه طلوع خونین‌اش را هنوز به مردم نشان نداده است. رها شدگان از لانه دارند با شامه خود، شکارچیان را بطرف پناهگاههای قربانیان راهنمایی میکنند و آنان را پیش فروش میکنند.

انتخاب چنین خبری از طرف سایت سازمان زحمتکشان در این شرایط کاملاً آگاهانه و تیتیر انتخاب شده گویای حقایق بسیاری در مورد ماهیت تنظیم کنندگان و اقتباس کنندگان خبر کذائی است.

اخیراً سایت وابسته به سازمان زحمتکشان، سایت بروسکه، خبری را از هفته نامه "مستقل" (جه ماوه ر) که گویا در اربیل چاپ میشود، نقل کرده و آنرا تحت عنوان "حزب کمونیست و انتقال مجاهدین" در صفحه اول سایت خود قرار داده است. طبق این خبر گویا حزب کمونیست ایران تعدادی از اعضای مجاهدین را به کردستان عراق آورده است تا از آن طریق به شهرهای ایران اعزام شوند. به گفته این روزنامه گویا از طرف اتحادیه میهنی کردستان عراق به خاطر این عمل اخطار داده شده است. به گفته

حزب کمونیست ایران و انتقال افراد مجاهدین از طریق کردستان به هر دو بخش خبر تنظیم شده سازمان زحمتکشان خیره شویدی: افراد سازمان مجاهدین خلق، یعنی یک سازمان اپوزیسیون جمهوری اسلامی، دارد توسط کومله وابسته به حزب "کمونیست" از منطقه تحت نفوذ جلال طالبانی به ایران فرستاده میشوند! و کومله ای که سران زحمتکشان در روز روشن علیه آن کودتا کردند و اکنون میخواهند اتحادیه میهنی را "تحریک" کنند تا اجازه ندهد از منطقه تحت حاکمیت جلال طالبانی، افراد سازمان مذکور را به سوی ایران عبور دهد! این کار جز آدم فروشی و فروش و حراج اطلاعات سیاسی و جاسوسی از نوع افراد اجیر دست چنم، هیچ چیز دیگر نام ندارد. از قول یک روزنامه "مستقل" در اربیل برای جمهوری اسلامی و حکومت جلال طالبانی در سلیمانیه خبر تنظیم کرده اند و با آن خبرچینی کرده اند. خود همین خبر میتواند موضوع چند قتل و ترور و انتقام و پاکسازی و تصفیه خونین و غیره بشود. سازمان مجاهدین یک سازمان "گردی" نیست، علت تیز شدن شامه سران زحمتکشان در تشخیص "بیگانگان" همین است. بحث درگیری مجاهدین با اتحادیه میهنی در کرکوک فقط میتواند یک توجیه و پاپوش مسخره باشد، چرا که سراسر تاریخ دو جریان اتحادیه میهنی و پارتی همواره تصفیه ها و

پاکسازیهای خونین بوده است. هنوز مردم کردستان فراموش نکرده اند، که چگونه این دو حزب حاکم پای نیروهای ارتش ترکیه، جمهوری اسلامی و حتی ارتش بعث را به داخل کردستان عراق باز کردند و کماکان ادامه میدهند.

کنترهای سازمان زحمتکشان که از تهدیدات و ژاندارم بازیهای بوش سرمست شده‌اند، از بطن کشتار و جنایتی که قرار است دامن مردم عراق و منطقه را بگیرد، از هم اکنون رخسار خود را بعنوان مزدوران اجیر نظم نوینی در آئینه خونین ورنانداز میکنند و دارند ظرفیت جاسوسی خود را به رخ حکام حقیر و همیشه نوکر سلیمانیه و سران رو به سقوط جمهوری اسلامی نشان میدهند. چنان به ارتجاع و سناریو سیاه و خونین بوش و بلر دل بسته اند و با آن عجین شده‌اند، که برای یک لحظه نمیتوانند تصور کنند که ممکن است جهان متمدن، جهانی که همین دبروز و پریروز با صف میلیونی خود شهرهای بزرگ دنیا را به مصاف مدعیان ژاندارمی جهان آورد، تمام عریبه کشیهای بوش و بلر را نقش بر آب کند و موجود چرکین سازمان زحمتکشان به دنیای فدرالیسم موعود پا نگذاشته، سقط شود.

اقتباس و تنظیم خبر سازمان زحمتکشان فقط جاسوسی و

خبرچینی علیه مجاهدین و کومه له و تحریک جمهوری اسلامی و جیره خوار او در منطقه، اتحادیه میهنی، نیست. ادامه و "تکامل" کودتای معروف علیه کومله و آمادگی برای خدمت به جمهوری اسلامی و اتحادیه میهنی، هر دو، در تکمیل و به سرانجام رساندن اهداف شوم راهزنان سیاسی سازمان زحمتکشان است. سازمان زحمتکشان دارد پا جا پای سازمان برادر خود، ارتش آزادیبخش کوسوو میگذارد. آنها هم مخلوق بومی ناتو و تحت منهدم ساختن مدنیت و شیرازه جامعه یوگوسلاوی پیشین و زیر بی رحمانه ترین بمبارانها و جنایات جنگی برای پاکسازیهای کثیف قومی از عمق ویرانه های ارتجاع "بازسازی" شدند.

نزول اجلال سازمان زحمتکشان بر موقعیت یک سازمان کنترائی که دیگر بی پرده به شیوه های تروریسم باند سیاهی و آدم فروشی متکی است، باید مورد اعتراض و خشم هر آزادیخواه، هر سازمان و حزب و انجمن و تشکلی که نسیمی از آزادیخواهی و سوسیالیسم بر آن وزیده است قرار گیرد.

باید علیه جنگ طلبی بوش و بلر ایستاد، چرا که امثال سازمان زحمتکشان فقط حقیرترین و کمترین ارمغان این جنایت جنگی و میوه پوسیده و تلخ ته مانده لجنزار نظم نوین برای مردم منطقه خواهند بود.

* * *

پوچ کردن جسم و جان جوانان در کردستان بوده است. این تجارب تجربه نوینی در سازمان اعتراضات توده ای است. اکنون که به پیشواز ۸ مارس روز جهانی زن میرویم خواستهای واقعی و انسانی زنان از کوتاه کردن دست مذهب در زندگی روزانه شان تا پایان دادن به آپارتاید جنسی که رژیم اسلام بر زنان اعمال میکند ان خواستهای واقعی توده های مردم و زنان در ایران است که با چنین پرچمی و با ابتکاراتی که سازماندهندگان این اعتراضات از خود نشان دادند، میتواند وسیعترین توده های مردم را به خیابانها بکشاند.

دست دست اندرکاران این ابتکارات نوین را باید فشرده و از تجاربشان در شهرهای دیگر نیز استفاده نمود.

۲۰ فوریه ۲۰۰۳

* * *

این اعتراضات توده ای است. در جامعه ای که بیش از دو دهه حاکمیت اسلام و فرهنگ اسلامی تلاش نموده که جامعه را به قهقرا و به فرهنگ عقب مانده مردسالاری برگرداند، در جامعه ای که ابراز هر گونه خواست ابتدائی جوانان برای ابراز شادی و عشق و احساسشان با شلاق و تراژدیهای قتلهای ناموسی روبرو می شود، مدافعین حقوق مدنی شهروندان جامعه، مبتکر سازمان چنین اعتراضات اجتماعی و انسانی در دفاع از حرمت انسانی انسانها می شوند.

نکته قابل توجه دیگر این اعتراضات این است که اگر چه این اعتراضات با شعارهای علیه رژیم اسلامی مردم را به خیابان نیاورده است اما خواستها و مطالبات این اعتراضات علیه پایه و مبانی رژیم اسلامی که بر بی حقوقی کودکان و تلاش شبانه روزی برای به تباهی و

گسترش این پدیده در جامعه به تنگ آمده و خواهان مبارزه ای قاطع با این پدیده و مسببین آن و در راس همه آنها، جمهوری اسلامی اند.

انتخاب تصاویر بدقت درست شده فستیوال دفاع از حقوق کودکان نیز در نوع خود یکی از ابتکارات بی نظیر سازمان اعتراضات توده ای در دفاع از حقوق کودکان بود. تصاویری که خود بیانگر خواستهای انسانی و واقعی حقوق کودکان و جایگاه و منزلت کودکان در جامعه بود، این تصاویر نیازها و خواستهای واقعی کودکان برای شادی، مصون بودنشان از دخالت مذهب در زندگی روزانه شان و علیه خشونت و پدیده زجر آور کودک خیابانی، که روزانه به انواع شیوه ها در ایران تحت حاکمیت اسلام بر کودکان اعمال می شود، بود.

نکته قابل توجه این دو حرکت پرچم برابری خواهی و چپ و سوسیالیستی بر رهبری و هدایت

تحریک نوین، ابتکاراتی نوین

متکی بود، دفاع از حقوق کودکان، علیه اعتیاد اینها ان حاکمیت رژیم اسلامی خواست میلیونها مردم در ایران است. مردم بخوبی میدانند که مسبب و توزیع کننده مواد مخدر رژیم اسلامی و عوامل ان است، که علاوه بر تلاش رژیم جنایتکاران اسلامی برای به تباهی کشاندن جوانان در کردستان با به اصلاح اقداماتش برای مقابله با اعتیاد، عملاً حرمت و کرامت انسانها را پایمال نموده است. سازمان دهی اعتراض علیه اعتیاد توسط زنان و شرکت وسیع آنها نیز جلوه دیگری از این حرکت اعتراضی بود. این حرکت خود نیز اعلام اراده مردمی است که از به تباهی کشیده شدن جسم و روح جوانان معتاد و



اسد نودینیان

nodinyan_a57@yahoo.se

در یک ماه گذشته در شهر سنجند ما شاهد تحریک نوین و ابتکارات نوینی در به میدان آوردن توده ای مردم به اعتراض علیه بی حقوقی کودکان و علیه اعتیاد بودیم. ابتکاراتی که در نوع خود در این دوره کم نظیر و به خواستهای انسانی و واقعی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

تظاهرات مردم سندج علیه مواد مخدر و اعتیاد

روز جمعه ۲۵ بهمن جمعیت زیادی از مردم سندج که بخش عمده‌ای از آنان را زنان تشکیل میدادند در یک راهپیمایی بزرگ علیه اعتیاد و با مطالبه ریشه کن کردن توزیع و پخش مواد مخدر و پدیده ویرانگر اعتیاد در خیابانهای سندج به حرکت درآمدند. نیروهای رژیم اسلامی که خود از مسببین و بانیان گسترش مواد مخدر در بین مردم اند، برای جلوگیری از گسترش این حرکت اعتراضی به صحنه آورده شدند، مردم اما به تظاهرات خود ادامه دادند.

این حرکت مردم سندج و دست زدن به راهپیمایی علیه پدیده اعتیاد که در دوران سلطه رژیم اسلامی مداوما سیر صعودی داشته و ابعاد وحشتناکی به خود گرفته است، اعلام اراده مردمی است که از به تیاهی کشیده شدن جسم و روح معتادین و به ویژه جوانان و گسترش اعتیاد در جامعه به تنگ آمده و بدین ترتیب جمهوری اسلامی را بعنوان مسبب اصلی این مصیبت اجتماعی دست نشان کرده‌اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از این ابتکار و حرکت جدی مردم سندج علیه مواد مخدر به تمامی حمایت میکند و همه مردم اعم از زنان و مردان و دختران و پسران را به پشتیبانی و پیوستن به این مبارزه و مصاف علیه جمهوری اسلامی فرامیخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ بهمن ۱۳۸۱ - ۱۶ فوریه ۲۰۰۳

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران جمهوری اسلامی ساسان آل کنگان را به دار آویخت

طبق اخبار رسیده جمهوری جنایتکار اسلامی چهارشنبه شب بتاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۸۱ (نوزدهم فوریه ۲۰۰۳) ساسان آل کنگان را به دار آویخت. ساسان آل کنگان فعال سیاسی و اهل شهر سندج بود که مدتی قبل توسط جمهوری اسلامی دستگیر و در زندان سندج بسر میبرد. حکم اعدام ساسان با اعتراض گسترده سازمانها و احزاب سیاسی و همچنین نهادها و تشکلهای مدافع حقوق انسان در سطح بین‌المللی روبرو شد. علیرغم این اعتراضات و در شرایطی که هیئت کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل برای دیدار از زندانیان سیاسی در تهران بسر میبرد، حکم اعدام ساسان آل کنگان را اجرا کردند. قاضی پرونده نامبرده حکم نهایی اعدام وی را صادر و همان شب دستور اجرای آن را صادر میکنند. بلافاصله بعد از اجرای حکم، خانواده ساسان را از واقعه مطلع میکنند و از ترس اعتراض مردم، به شرطی حاضر به تحویل جنازه به خانواده‌اش میشوند، که در فرصت کوتاه همان شب و بدون اطلاع مردم جنازه را خاکسپاری کنند.

اقدام جنایتکارانه اعدام ساسان آل کنگان در شرایطی اتفاق می‌افتد که رژیم جمهوری اسلامی روزمره فشار اعتراض و مبارزه مردم را تجربه میکند. درست در هفته‌های اخیر شهر سندج شاهد تحرك نوین علیه جمهوری اسلامی و ابتکارات تازه‌ای از به میدان آمدن صف هزاران نفره مردم آزادیخواه در دفاع از حرمت و حقوق انسانی و علیه جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی باید بداند با این اقدامات جنایتکارانه نمیتواند جلو گسترش مبارزهای را بگیرد که سرپای این رژیم منحوس را نشانه رفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از مردم مبارز شهر سندج انتظار دارد که جنایت اعدام ساسان آل کنگان را بی‌جواب نگذارند و مناسبتهای یادبود وی را به تحرك و اعتراض و مبارزه متحدانه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. همچنین از همه مردم آزادیخواه در ایران و از همه سازمانها و احزاب سیاسی و از نهادها و شخصیتهای مدافع حقوق انسان میخواهیم علیه اقدام جنایتکارانه اعدام ساسان آل کنگان اعتراض کنند. با اعتراض خود جمهوری اسلامی را باید تحت فشار قرار داد و مانع گسترش اعدام مردم و جوانان توسط جنایتکاران حاکم شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اعدام ساسان آل کنگان را به خانواده، بستگان و دوستان و به مردم سندج تسلیت میگوید. انده از دست دادن وی را باید به نیروی مبارزه متحدانه جهت به زیر کشیدن جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
اول اسفند ۱۳۸۱ - ۲۰ فوریه ۲۰۰۳

۸ مارس

علیه حجاب اجباری، علیه آپارتاید اسلامی به خیابان بیایید!

حجاب اسلامی پوشش نیست، پرچم ایدئولوژیک و ضد زن آپارتاید اسلامی است. حجاب سند مالکیت بر زن، سند فرودستی زن، سند حقارت زن در نظام ضد زن پاندهای اسلامی در ایران و منطقه است. حجاب یونیفورم رژیم آپارتاید جنسی است. حجاب اجباری نتیجه جنگ و کشمکش خونین رژیم اسلامی با زنان آزادیخواه ایران است. حجاب پرچم پیروزی ارتجاع اسلامی بر جنبش آزادی و برابری در انقلاب ۵۷ است. حجاب و حکومت اسلامی ماهیتا ضد زن است. این پرچم و این حکومت را بزیر میکشیم.

رژیم اسلامی در تمام طول حیاتش در حال کشمکشی بدون وقفه با زنان بوده است و در این جدال ارتجاع و آزادی، جمهوری اسلامی بازنده است. زنان و مردان آزادیخواه نه حجاب و نه آپارتاید اسلامی را نپذیرفتند و میروند که این عمارت ننگین و پرچمش را بزیر بکشند. ۸ مارس روز اعلام اراده و پرچم بین‌المللی آزادی زن است. در ۸ مارس، روز جهانی زن، متحدانه بر خواست الغای حجاب اجباری و الغای آپارتاید جنسی و الغای هرنوع تبعیض و نابرابری تاکید کنیم. اعلام کنیم که زنان و مردان این جامعه الگوی عقب مانده را نمیخواهند، آزادی و برابری میخواهند. اعلام کنیم که انقلاب بزرگی در راه است و در گام اول آن رژیم ضدزن اسلامی، حجاب اجباری، آپارتاید جنسی و کل قوانین و ایدئولوژی حاکم جارو خواهد شد.

زنده باد روز جهانی زن! زنده باد حقوق جهانشمول زنان!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ بهمن ۱۳۸۱

۱۶ فوریه ۲۰۰۳

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

یک دنیای

بهتر،

برنامه حزب

کمونیست

کارگری

را بخوانید!